

بازگشت به سرزمین

نتانیاهاو در کنار دو هم‌پالکی کهنه‌کارش لیبرمن و باراک، اندیشه‌های خطرناکی در سر دارد. آیا رژیم صهیونیستی واقعا به داستان سامسون و دلیله اعتقاد دارد؟



فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش‌بینی کرد رژیم صهیونیستی تا آخر امسال به فکر ایجاد فتنه‌ای در منطقه خواهد بود؛ فتنه‌ای که می‌تواند در غزه، لبنان یا حتی ایران باشد. همان زمان اخبار دیگری از فلسطین اشغالی به گوش می‌رسد: در حالی که کمیسیون حوادث رژیم صهیونیستی دستور ساخت هشت گورستان، هر یک به گنجایش سه هزار گور را صادر کرده، اوی مزراهی، یکی از افسران صهیونیست می‌گوید اگر با حزب‌الله وارد جنگ شویم یا به تاسیسات اتمی ایران حمله کنیم، باید خود را برای کشته‌های بسیار آماده کنیم. کسی درست نمی‌داند این اقدام که هنوز رسماً از سوی مقامات صهیونیستی تأیید نشده چیزی شبیه جنگ روانی صهیونیست‌ها در آغاز جنگ ۳۳ روزه است یا تمهیدی برای شروع نسل‌کشی فلسطینی‌های کرانه باختری و نوار غزه، یا پیش‌درآمدی بر تصمیمی نابخردانه برای حمله به ایران. دولت جدید رژیم صهیونیستی در همین مدت کوتاه روی کار آمدنش ثابت کرده نابخردی اولمرت، افراطی‌گری و سرسختی شارون و تهور نتانیاهاو را یک‌جا در خود جمع کرده، تا آنجا که حامیان آمریکایی آنها نیز به اعتراض برخاسته‌اند. اگر در جنگ ۳۳ روزه کسی مثل لیونی چنان بهره‌ای از عقل داشت که در همان هفته اول جنگ اعلام کند اگر همه جهان هم بیایند نخواهند توانست حزب‌الله را خلع سلاح کنند، این بار کسی جای او بر کرسی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی نشسته که در افراطی‌گری هیچ چیز کم ندارد. لیبرمن در کنار دو هم‌پالکی کهنه‌کارش نتانیاهاو و باراک، اندیشه‌های خطرناکی در سر دارد، اندیشه‌هایی که روح سرگردان شارون هم از آن هراس دارد. در افسانه‌های یهود، وقتی سامسون که در زورآوری یگانه دوران‌ش بود جانش را در خطر دید، با ویران کردن ستون‌های خانه، همه ساکنان خانه را هم با خود کشت. آیا صهیونیست‌ها واقعا به داستان سامسون و دلیله اعتقاد دارند؟ حسین‌وها بیان

کابینه نتانیاهاو نتیجه یک انتخابات شکست‌خورده و ائتلاف با تندترین گروه‌های سیاسی رژیم صهیونیستی است. شش ماه پیش او اگرچه از رقیب اصلی‌اش «لیونی» جا مانده بود، ولی بی‌میلی لیونی به ائتلاف با او و جاه‌طلبی‌های لیبرمن، توانست بار دیگر نتانیاهاو را به نفر اول رژیم صهیونیستی تبدیل کند. تلاش جدی و پررنگ کابینه نتانیاهاو به سرپرستی لیبرمن که حالا وزیر خارجه است برای فشار بر ایران، بیشترین وقت را از صهیونیست‌ها گرفت. وقایع پرسرعت در آستانه انتخابات ایران برای آنها آن قدر اهمیت داشت که لیبرمن هر چه داشت خرج کرد. هم‌زمان با تمرکز توجه سیاسیون ایران به وقایع داخلی، نتانیاهاو با سفر به آمریکا و رایزنی با مسوولان این کشور، یکی دیگر از مؤلفه‌های امنیت ملی و پای ثابت سیاست‌های اصلی دولت‌های رژیم صهیونیستی را پیگیری کرد؛ تشکیل دولت مستقل فلسطینی و مسأله شهرک‌سازی. شش ماه از نخست‌وزیری دوباره نتانیاهاو گذشته است؛ شش ماهی که قرار بود طی آن کابینه عریض و طویل نتانیاهاو به‌سرعت فاصله میان ترس و وحشت دو شکست‌سنگین نظامی در جنگ غزه و جنگ ۳۳ روزه لبنان را با دوران رؤیایی صهیونیست‌ها در دهه ۷۰ بپیماید. اما حالا شاید بشود با اطمینان همه این دولت را در چند کلیدواژه خلاصه کرد: لیبرمن، ایران، صلح پایدار با اعراب و شهرک‌سازی. تلاش سنتی آمریکا برای متقاعد کردن اعراب به پذیرش صلح با رژیم صهیونیستی این بار به رهبری



“

دوران نخست‌وزیری اول نتانیاهاو را دوران پایان چند سال مذاکرات صلح فلسطین و رژیم صهیونیستی می‌دانند؛ چرا که او همان کسی بود که تمام تعهدات رژیم صهیونیستی در مذاکرات صلح را نادیده گرفت

در تاریخ تشکیل رژیم صهیونیستی این اولین کابینه‌ای است که در آن، حزبی که اکثریت آرا را به دست آورده هیچ نماینده‌ای ندارد

دانشگاه عبری بیت‌المقدس جامعه‌شناسی خواند و همزمان سیاست‌سازی را هم شروع کرد. لیبرمن بر خلاف بسیاری از مقامات سیاسی رژیم صهیونیستی، سابقه نظامی درخشانی ندارد. در ارتش بیشتر از درجه گروهانی به او ندادند. اصالت روسی او مهم‌ترین ابزار ترقی او در هرم قدرت بود؛ صهیونیست‌های روسی، تندروهای رژیم صهیونیستی هستند. لیبرمن هم از همان ابتدا جذب احزاب دست‌راستی شد. او مدتی هم دبیرکل لیکود بود و وقتی در سال ۱۹۹۶ نتانیاهاو برای اولین بار نخست‌وزیر شد، یک سالی رئیس دفترش بود. افکار افراطی‌اش تا آنجا پیش رفت که دیگر نه او لیکود را می‌پسندید و نه لیکودی‌ها او را. لیبرمن در سال ۱۹۹۹ حزب «اسرائیل، خانه ما» راه انداخت. طرفداران حزب او بیشتر از بین مهاجران ناسیونالیست روس بودند.

همان سال در انتخابات کنست یا همان مجلس رژیم صهیونیستی شرکت کرد و با سه هم‌حزبی‌اش وارد مجلس شد. سال ۲۰۰۰ صهیونیست‌ها در گیر

مرگ مغزی شارون فر صتی شد برای ایهود اولمرت تا بدون برگزاری انتخابات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی شود. اولمرت که روی کار آمد اهمیت بیشتری به لیبرمن داد



در مواضع افراطی خود باقی بماند. در آستانه انتخابات پارلمانی، نتانیاهاو ایران را به حمله نظامی تهدید کرد.

هیولا

«آنکه می‌خواهد با ما صحبت کند، باید بیاید اینجا و آنکه نمی‌خواهد با ما صحبت کند، برود به جهنم!» این جمله‌ای بود که لیبرمن در اکتبر ۲۰۰۸ خطاب به بزرگ‌ترین شریک سیاسی رژیم صهیونیستی در خاورمیانه، یعنی حسنی مبارک گفت. آن زمان حتی خود صهیونیست‌ها هم باور نمی‌کردند روزی لیبرمن بالاترین مقام سیاستگذار رژیم صهیونیستی خواهد شد؛ وزیر امور خارجه.

محل تولد لیبرمن شهر کیشنیف، فعال‌ترین مرکز صهیونیست‌ها در شوروی سابق بود. خانواده‌اش ثروت چندانی نداشتند و او در کلویی شبانه دربان بود. بعد گوینده رادیو پاکو شد و سال ۱۹۷۸، بیست سانش بود که با خانواده از شوروی به فلسطین اشغالی آمدند و در شهرکی در کرانه باختری ساکن شدند. بعد در

دوران نخست‌وزیری او دوران افول حزب لیکود بود؛ برای همین کابینه نتانیاهاو دوام نیاورد و در انتخابات زود هنگام سال ۱۹۹۹ در رقابت با «یهود باراک» شکست خورد. دوران نخست‌وزیری اول نتانیاهاو را دوران پایان چند سال مذاکرات صلح فلسطین و رژیم صهیونیستی می‌دانند چرا که او همان کسی بود که تمام تعهدات صهیونیست‌ها در مذاکرات صلح را نادیده گرفت.

سال ۲۰۰۲ و در کابینه هم‌حزبی سابقش آریل شارون مدتی وزیر امور خارجه بود، تا آنکه بعد از تصویب طرح تخلیه شهرک‌های یهودی‌نشین نوار غزه و عقب‌نشینی ارتش از این منطقه، به نشانه اعتراض کابینه شارون را ترک کرد و به اپوزیسیون پیوست.

این همان زمانی بود که شارون پس از تصمیم به عقب‌نشینی یکجانبه از غزه با لیکود مشکل پیدا کرد و به‌ناچار از این حزب خارج شد و حزب به‌اصطلاح میانه‌رو «کادیم» را تأسیس کرد. با رفتن شارون، نتانیاهاو بار دیگر به ریاست لیکود برگزیده شد تا این حزب همچنان

تقدیر شد. یوناتان برادر بنیامین نتانیاهاو بود که مرگش در محبوبیت و آینده سیاسی برادرش نقشی بسزا داشت.

خانواده نتانیاهاو عمدتاً در آمریکا به سر می‌برند. نخست‌وزیر کنونی رژیم صهیونیستی در ۲۱ اکتبر سال ۱۹۴۹ در تل‌آویو به دنیا آمد، تا سال ۱۹۶۷ در آمریکا ماند و سپس به فلسطین اشغالی آمد و نظامی شد. مدت‌ها افسر یگانی در ارتش بود که وظیفه‌اش ترور رهبران فلسطینی بود. او در ارتش به درجه ژنرالی‌رسید.

پس از ترک ارتش، در وزارت جنگ رژیم صهیونیستی معاون شد. نتانیاهاو از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ سفیر این رژیم در سازمان ملل بود و پس از بازگشت به سرزمین‌های اشغالی، در کابینه شامیر، معاون نخست‌وزیر شد.

سال ۱۹۹۶ او در انتخابات درون حزبی لیکود پیروز شد و همزمان با پیروزی لیکود، در انتخابات کنست تا ۱۹۹۹ نهمین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود.

«آنکه می‌خواهد با ما صحبت کند باید بیاید اینجا و آنکه نمی‌خواهد با ما صحبت کند، برود به جهنم!» این جمله‌ای بود که لیبرمن در اکتبر ۲۰۰۸ خطاب به بزرگ‌ترین شریک سیاسی رژیم صهیونیستی در خاورمیانه، یعنی حسنی مبارک گفت



مثلی را تشکیل داده‌اند که قدرت را قبضه کرده است. سال پیش البته بلافاصله بعد از سخن باراک، اشکنازی اعلام کرد ارتش این رژیم تا حداقل یک سال آینده خیال حمله به جایی را ندارد اما حالا دیگر هیچ چیز بعید نیست. کسی چه می‌داند؟ شاید شناختن کامل‌تر این سه تن برای ارائه دادخواست رسیدگی به جنایات جنگی در آینده لازم باشد:

نماینده افراطیون

ژوئن ۱۹۷۶ چریک‌های جبهه خلق برای آزادی فلسطین با همکاری گروه‌های چپ انقلابی آلمان، یک هواپیمای مسافری را از فلسطین اشغالی ربودند و به اوگاندا بردند. آنها آزادی‌گروگان‌ها را منوط به آزادی اسرای فلسطینی کردند. مأموران امنیتی رژیم صهیونیستی در عملیاتی که بعدها به عملیات آنتیبی (عنتبه) معروف شد، توانستند گروگان‌ها را آزاد کنند.

تنها افسر امنیتی آنها که در این عملیات کشته شد یوناتان نتانیاهاو بود که از او به عنوان قهرمان ملی

«جورج میچل» آمریکایی و با تمرکز بر سوریه آغاز شد. صهیونیست‌ها البته این بار از زبان آمریکایی‌ها پیشنهاد سخاوتمندانه بازگرداندن جولان را در قبال حذف حزب‌الله و ایران از قاموس سیاسی سوریه‌ها مطرح کردند.

سفر زود هنگام فرزند حافظ اسد به تهران پس از انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد، شاید نوعی جواب منفی و تلویحی اسد به بسته پیشنهادی نتانیاهاو بود ولی تأکید مسئول سیاست خارجی اروپا در تل‌آویو به فاصله تنها چند روز بعد از این سفر و نوید «وقایع بزرگ آینده» او، نشان می‌دهد صهیونیست‌ها دست‌بردار نیستند.

نتانیاهاو در سخنرانی‌اش در دانشگاه «بشار ایلان» فلسطین اشغالی تأکید کرد با مفهومی به نام دولت مستقل فلسطینی موافق است؛ اگرچه ریاست لیبرمن که به هیچ روی سر سازگاری با اعراب ندارد، کار را سخت‌می‌کند.

این دو، به همراه باراک که سال گذشته احتمال حمله مجدد رژیم صهیونیستی به حزب الله را مطرح کرد،

شارون در جریان سخنرانی در کنگره

شارون در جریان سخنرانی در کنگره

شارون در جریان سخنرانی در کنگره

شارون در جریان سخنرانی در کنگره

شارون در جریان سخنرانی در کنگره

انتفاضه الاقصی بودند. وقتی شارون با شعار سرکوب انتفاضه نخست‌وزیر شد اوضاع دیگر آن قدر بحرانی بود که نمی‌توانست همه کابینه را از لیکود انتخاب کند و این شد که در کنست با تمام احزاب دست راستی و تندرو ائتلاف تشکیل داد و کابینه را میانشان تقسیم کرد. وزارتی که در این باج‌دهی به لیبرمن تازه‌وارد رسید وزارت امور زیربنایی بود. ظاهراً تقدیر لیبرمن این بود که وزارت خانه‌ای را در اختیار بگیرد که تنها برای شارون خلق شده بود. زمانی که لیبرمن جوان با خانواده‌اش به فلسطین اشغالی می‌آمد، شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی بود. او به لبنان حمله کرد و بانی کشتار صبرا و شتیلا شد. ارتکاب این جنایت و کشتار بیش از دو هزار زن و کودک فلسطینی چیزی نبود که دنیا به‌راحتی با آن کنار بیاید. دولت وقت رژیم صهیونیستی مجبور شد شارون را برکنار کند. اما شارون کسی نبود که دولت بتواند راحت از او چشم‌پوشد. بنابراین وزارتی به نام وزارت امور زیربنایی درست کردند و به شارون دادند؛ وزارتخانه‌ای که مسوولیتش بررسی وضعیت شهرک‌ها و غصب زمین‌های فلسطینی به‌نفع رژیم صهیونیستی بود.

مدتی بعد لیبرمن در کابینه شارون وزیر راه و ترابری شد. اما وقتی دولت طرح تخلیه شهرک‌های نوار غزه را تصویب کرد و ارتش را از نوار غزه فراخواند، دیگر لیبرمنی در کابینه نبود؛ شارون به دلیل انتقادهای تندش به این تصمیم دولت، او را برکنار کرد.

مرگ مغزی شارون فرصتی شد برای ایهود اولمرت تا بدون برگزاری انتخابات نخست‌وزیر شود. اولمرت که روی کار آمد اهمیت بیشتری به لیبرمن داد.

حزب لیبرمن درانتخابات سال ۲۰۰۶ یازده کرسی در پارلمان به دست آورده بود و از احزاب پرنفوذ بود؛ به همین دلیل او در کابینه اولمرت، معاون نخست‌وزیر و وزیر استراتژی رژیم صهیونیستی شد تا جمع اعضای سبک‌سر و متهور کابینه با حضور او و پرتز کامل باشد. البته لیبرمن در دولت قبلی مسوولیت دیگری هم داشت؛ مقابله با «ایران» به عنوان بزرگ‌ترین تهدید منطقهای علیه رژیم‌صهیونیستی.

هنگام رأی‌گیری کابینه رژیم‌صهیونیستی، روزنامه «هآرتص» نوشت: «بنیامین نتانیاهو قصول داده در دولت‌ش وزارت مهمی را به لیبرمن بسپارد. اگر کسی مثل لیبرمن به عضویت دولتی اروپایی درمی‌آمد، اسرائیل روابطش را با آن دولت قطع می‌کرد.» اما خود لیبرمن می‌گوید: «من البته خیلی طرفدار دموکراسی هستم، اما وقتی پای تضاد میان ارزش‌های دموکراتیک و ارزش‌های یهودیت در میان

باشد، این ارزش‌های صهیونیستی و یهودی هستند که مهم‌ترند.»

آمریکایی‌ها هم نگرانند. روزنامه «بوستون گلوب» چاپ آمریکا نوشت: «اگر نتانیاهو بخواهد روابط بسیار مهم اسرائیل با واشنگتن را همچنان حفظ کند، باید دهان لیبرمن را ببندد یا او را از کابینه ائتلافی اخراج‌کند.»

جنگ طلب

باراک نظامی کارکشته‌ای است. او در سال ۱۹۴۲ در خانواده‌ای لیتوانی‌تبار به دنیا آمد. ۱۷ساله بود که وارد ارتش شد. لیسانسش را در سال ۱۹۶۸ در رشته ریاضی و فیزیک از دانشگاه عبری قدس گرفت و فوق لیسانسش را در سال ۱۹۸۷ در رشته تجزیه و تحلیل سیستم‌ها در دانشگاه استنفورد آمریکا. سال۱۹۸۲ درجه ژنرالی گرفت و در کنار شارون، در حمله به لبنان شرکت کرد. آن‌قدر در ارتش ماند تا در سال ۱۹۹۱ رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم‌صهیونیستی شد. معمولاً ژنرال‌های ارتش، دولت‌مدران بعدی هستند؛ باراک هم بعد از ارتش وارد دولت شد و به دلیل تمایلش به حزب کارگر، در کابینه اسحاق رابین وزیر کشور شد.

پشتوانه سیاسی او در حزب کارگر باعث شد در رقابت با پرز پیروز شود و در ۱۹۹۷رهبری حزب کار را به دست گیرد. او در انتخابات دور پانزدهم کنست هم رأی خوبی آورد. سال ۱۹۹۹مرد اول سیاست رژیم‌صهیونیستی شد و توانست نتانیاهو را شکست داده و دهمین نخست‌وزیر شود.

نخست‌وزیری باراک با دومین دور مذاکرات طولانی صلح با یاسر عرفات همراه بود. سرسختی باراک و اصرار رئیس‌جمهور آمریکا برای امضای توافقی جدید در کنار مقاومت نسبی عرفات، کمپ دیوید دو را بی‌نتیجه گذاشت. محبوبیت باراک در رژیم صهیونیستی پایین آمده بود. شارون که رهبری اپوزیسیون را به عهده داشت فشار را بیشتر کرد. بازدید شارون از مسجد الاقصی در سال ۲۰۰۰تیر خلاص را به کابینه بحران‌زده باراک زد. انتفاضه الاقصی شروع شد و باراک نتوانست در مقابل شارون دوام بیاورد و به‌ناچار نخست‌وزیری را به او سپرد.

پس از این شکست، او مدتی سیاست را رها کرد و به فعالیت‌های بازرگانی پرداخت اما با بحران رهبری در حزب کار، بار دیگر رهبری حزب را پذیرفت. به‌عنوان آخرین نخست‌وزیر منتخب از حزب کار، به نظر هوادارانش وی آخرین ریسمان نجات حزب از ضعف است؛ حزبی که زمانی حزب دولت بود.

نگاهی به گذشته

سه‌شنبه ۱۰ فوریه ۲۰۰۹، حدود ۶۰درصد صهیونیست‌ها در انتخابات هجدهمین دوره مجلس شرکت کردند. ۳۴ حزب با دسته حزبی برای نمایندگی کاندیداشده‌بودندومی‌توانستند با کسب ۲درصد آرا وارد پارلمان شوند. چهار حزب اصلی رژیم صهیونیستی در این دوره و تعداد کرسی‌هایی که به دست آوردند این بود:
■حزب کادیمآ (محافظه‌کار) به رهبری زبیبی لیونی، وزیر خارجه پیشین، ۲۸کرسی
■حزب لیکود (راست) به رهبری بنیامین نتانیاهو، ۲۷کرسی
■حزب کارگر (سوسیال دموکرات) به رهبری ایهود باراک، وزیر دفاع کنونی، ۱۳کرسی
■حزب «اسرائیل، خانه ما» (ملی‌گرای افراطی) به رهبری آویگدور لیبرمن، ۱۵ کرسی
در واقع حزب کادیمآ با اختلاف اندکی پیروز انتخابات‌شدولی نتیجه‌رای‌گیری برای باقیمانده ۱۲۰ کرسی، به نفع لیکود بود. در مجموع احزاب راست‌گرا ۶۵ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی پارلمان رژیم صهیونیستی را به دست آورده بودند و در صورت ائتلاف می‌توانستند دولت تازه را تشکیل دهند.

نتانیاهو از لیونی، لیبرمن و باراک خواست «به منظور امنیت آینده اسرائیل» دردولت ائتلافی به رهبری لیکودشرکت کنند.لیونی پس از دیدار با پرز گفت حاضر نیست در دولتی به رهبری لیکود شرکت کند و با ۲۸ نماینده در کنست، بزرگ‌ترین جناح اپوزیسیون دولت نتانیاهو شد. با این تصمیم لیونی، برای اولین بار در تاریخ رژیم صهیونیستی حزبی که اکثریت‌را در انتخابات به دست آورده سهمی در کابینه ندارد. روز سه شنبه ۳۱ مارس ۲۰۰۹، دولت پیشنه‌ادی «بنیامین نتانیاهو» با ۶۹ رأی نمایندگان عضو احزاب لیکود، اسرائیل خانه ما، کارگر، شناس و خانه یهودی، از کنست رأی اعتماد گرفت و بزرگ‌ترین کابینه تاریخ رژیم صهیونیستی با بیش از ۳۰وزیر با تضادهای ساختاری و اختلاف سلیقه‌های عمیق متولد شد.

آویگدور لیبرمن، رهبر حزب «اسرائیل، خانه ما»، مهم‌ترین عضو کابینه است. او، هم عضو کابینه امنیتی است و هم جانشین نخست‌وزیر. هم نتانیاهو و هم لیبرمن حمله نظامی به ایران را محتمل دانسته‌اند. صهیونیست‌ها پیش‌بینی کرده بودند: «اگر ماموریت تشکیل دولت به نتانیاهو سپرده شود، لیبرمن وارد کابینه خواهد شد و معلوم است که در این حالت انتظار چه چیزی را باید داشت؛ پایان هر چشم‌اندازی برای رفع اختلاف با فلسطینی‌ها، تشدید تنش با سوریه و ایران و در عین‌حال تشدید جبهه‌بندی‌های داخلی.»

پیشه‌های تهاجم عراق به ایران

پدر خوانده‌ای از تکریت

حمله به کربلا در جریان جنگ

روز هفتم

حمله به کربلا در جریان جنگ

جنگ در خرمشهر

حمله به کربلا در جریان جنگ

به‌سوی پیروزی

حمله به کربلا در جریان جنگ

اتحادشوم

حمله به کربلا در جریان جنگ

پیروز واقعی کیست؟

حمله به کربلا در جریان جنگ

تحریفات جنگ

حمله به کربلا در جریان جنگ

داستان مرد جنگی

حمله به کربلا در جریان جنگ

سیزدهمین روز پاییز

حمله به کربلا در جریان جنگ

دموکراسی به‌سبک آمریکایی

حمله به کربلا در جریان جنگ

برنامه قمنوس

حمله به کربلا در جریان جنگ

پایداری